

## تنها راه حل، برچیدن دائم نظام آپارتاید است

یانیس واروفاکیس، 15 اکتبر 2023

سید سجاد هاشمی نژاد

زمانی که حماس تهاجمش به درون اسرائیل را آغاز کرد، من، که مبهوت از قصابی و تلفات انسانی‌ای بودم که می‌دانستم این تهاجم به دنبال خواهد داشت، سعی کردم پساپشتِ غبارِ جنگ را ببینم، پساپشت همه‌ی این وحشت و نفرت را بنگرم، و بر این تمرکز کنم که چه چیز می‌تواند این چرخه‌ی بی‌پایان ناانسانیت را پایان دهد. به این بیاندیشم که: علت ریشه‌ای این چرخه چیست؟ حماس؟ شهرک‌نشینان اسرائیلی؟ نتانیاهو؟ دولت خودگردان فلسطین؟ اسرائیلی‌ها؟ فلسطینیان؟ نه. هرچند همه‌ی این‌ها، عواملی در یک درام شریزند، اما آن‌ها مؤلف و خالق این درام نیستند. پس مؤلف و خالق کیست، یا چیست؟

پاسخ من این است: بر ساختن یک نظام پایدار و پولادینِ آپارتاید که دهه‌ها زمان برده است. آپارتاید، عین خشونت است. این است علت ریشه‌ای خشونت بی‌پایان. به همین دلیل، اولین اظهارنظر من، بلافاصله پس از تهاجم خشن حماس در هفت اکتبر، چنین بود: «مسیر پایان دادن به مرگ تراژیک بی‌گناهان - چه فلسطینی و چه اسرائیلی - با یک گام کلیدی آغاز می‌شود: پایان اشغال‌گری و آپارتاید اسرائیل.»

در هشتم اکتبر، در مصاحبه‌ای در برلین (که متن کامل آن در پیوست این نوشتار آمده)، من از محکوم کردن حماس و نیز محکوم کردن شهرک‌نشینان اسرائیلی‌ای که در سرتاسر اسرائیل-فلسطین مرتکب جنایت می‌شوند، سر باز زدم. در عوض، من خودمان را محکوم کردم، ما اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها را به عنوان عاملان اصلی شرارت محکوم کردم، چرا که در تمام مدتی که علت زیرین این جنایات، یعنی آپارتاید، تبدیل به عملی انجام‌شده و واقعیتی از سر گذشته می‌شد، ما کنار ایستادیم و کاری نکردیم.

چرا مسیر آسان‌تر را انتخاب نکردم؟ یعنی اینکه از یک سو حماس را محکوم کنم و از سوی دیگر از حقوق فلسطینیان دفاع کنم؟ چرا که می‌خواستم بر این نکته تاکید کنم که این ما، یعنی اروپایی‌ها و آمریکایی‌هاییم که باید محکوم شویم. چرا که این ما اروپایی‌ها و آمریکاییان هستیم که با محکومیت‌های اخلاقی نمایانه، مناسک‌وار و پدرمآبانه‌مان (چه محکومیت یک‌جانبه باشد و چه با فاصله‌گذاری با هر دو طرف)، تحقق صلح در اسرائیل-فلسطین را ناممکن کرده‌ایم.

اجازه دهید توضیح دهم که چرا چنین می‌گویم. چرا خود ما، اروپایی‌ها و آمریکاییان را، به جای حماس، شهرک‌نشینان، نتانیاهو، یا هر یک از عاملان دیگر در این درام، محکوم می‌کنم؟ زیرا ما به دولت‌هایمان اجازه داده‌ایم تا

متقابلاً به دولت‌های متوالی اسرائیلی اجازه دهند که باور کنند به جای حل مسأله از طریق یک پیمان صلح، می‌توانند فلسطینیان را پشت فنس‌ها و پشت یک بنای آپارتایدی تمام عیار نگه دارند؛ چیزی که یا آن‌ها را در مقامی فروانسانی نگه می‌دارد و یا تدریجاً موجب می‌شود به سوی سرزمین‌های دوردست ترک وطن کنند؛ که یا به مرگی هولناک، بی‌صدا، تدریجی و دسته‌جمعی بمیرند، و یا دست به اسلحه ببرند و این چنین، جان انسان‌های بی‌گناهی را نیز، در اغلب این چنین مواردی، بگیرند.

ما اروپایی‌ها و آمریکاییان چگونه اجازه می‌دهیم چنین اتفاقی رخ دهد؟ ما از این طریق امکان این کار را می‌دهیم که وقتی فلسطینیان متحمل کشتار و اخراج و جنایات جنگی می‌شوند، همچون مرده‌ها ساکت می‌مانیم؛ از کنار جنایات جنگی اسرائیل (از جمله آن جنایاتی که در همین لحظه که غزه در حال بدل شدن به یک پارکینگ است، در حال انجامند) همچون امری اجتناب‌ناپذیر، همچون قوانین الهی، همچون فوران یک آتش‌فشان بنا به طبعش و بنا به جبر طبیعت، می‌گذریم. و وقتی برخی از فلسطینیان با خشونت و بی‌رحمی، در پاسخ به نسل‌کشی‌کنندی که به‌شکلی محاسبه شده بر خانواده‌ها و جماعت‌هایشان تحمیل می‌شوند، بیرون می‌جهدند، فلسطینیان را با سردی و عبوسی محکوم می‌کنیم و آن‌ها را «حیوان» و «وحشی» می‌نامیم. این موضع ما، با محکومیت‌های مناسک‌وارمان نسبت به خشونت فلسطینیان و پذیرشمان نسبت به حق اسرائیل برای ارتکاب جنایات‌های جنگی در دفاع از خودش، هدیه‌ای بی‌نقص است به افراط‌گرایان هر دو طرف: حماس بابت این موضع‌گیری‌مان، عاشق ماست؛ چرا که به این وسیله، ما بی‌تفاوتی غرب را نسبت به رنج فلسطینیان اثبات می‌کنیم. در طرف دیگر، شهرک‌نشینان و نتانیاهو هم بابت این موضع‌گیری دوستان دارند، چرا که چراغ سبزی به تحکیم برنامه‌ی آپارتاید و پاکسازی قومی‌شان نشان می‌دهد.

دوستان و دشمنان از من می‌پرسند: «ولی یانیس، آیا تو وظیفه‌ای اخلاقی برای محکوم کردن جنایات حماس نداری؟»

پاسخ من، صریح و روشن است:

هیچ چیز نمی‌تواند خشونت عامدانه علیه اشخاصی که نیروی نظامی نیستند را توجیه کند. حمله کردن به اسرائیلی‌های حاضر در یک جشن جمعی غلط است، بمباران بیمارستان‌های فلسطینی غلط است، ربودن کودکان اوکراینی غلط است، شکنجه‌ی زندانیان روس غلط است. در واقع، ملیت و هویت قربانی یا مهاجم کاملاً بی‌ربط است. یا هدف قرار دادن بی‌گناهان همیشه، و هر کس که مرتکبش شود، غلط است، یا کاری که شما می‌کنید خشمگین شدن دل‌بخواهی و گزینشی است (مثل اورسولا فون‌درلاین<sup>1</sup>) که به آن معناست که برای جنایات جنگی طرف خودتان بهانه بیاورید اما جنایات جنگی طرف دیگر را با قاطعیت محکوم کنید. این یعنی پایان اخلاق، یعنی پایان هر امکانی برای وجود نوعی حقوق بین‌الملل که شایسته‌ی این عنوان باشد.

پاسخ من به مدافعان حق اسرائیل برای اعمال آپارتاید هم صریح و روشن است:

اگر شما کشتن خبرنگاران، پزشکان و کودکان غیر مسلح توسط اسرائیل را محکوم نکردید، حق تان برای اینکه حالا حماس را محکوم کنید را هم از دست داده‌اید. کنوانسیون ژنو درباره‌ی جنایات جنگی، یا به همه اعمال می‌شود و یا به هیچ کس. و هر کس که این کنوانسیون را علیه طرف ضعیف به کار بگیرد در حالی که طرف قوی را مستثنی می‌کند، مرتکب قباحتی وقیح شده است.

به‌طور خلاصه، آن‌ها که از من محکومیتی در قبال حماس یا شهرک‌نشینان اسرائیل یا هر نیروی درگیر در اسرائیل - فلسطین را طلب می‌کنند، هرگز چنین چیزی را دریافت نخواهند کرد. چرا که چنین محکومیت‌های مناسک‌واری توسط ما اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها یعنی ریختن بنزین بر آتش - این‌ها خود، بخشی از مشکلند، نه بخشی از راه‌حل. این که باید چه کار کنیم را، در آن مصاحبه‌ی جنجال‌برانگیز توضیح دادم:

این تراژدی عظیم باید به فرصتی تبدیل شود که طی آن ما اروپایی‌ها [و آمریکایی‌ها] بیدار شویم و خود را با جبران اشتباه، رستگاری ببخشیم؛ از این طریق که خواهان آن شویم که به‌طور جمعی، اولین گام تعیین‌کننده به‌سوی صلح را برداریم. این اولین گام، یعنی نابودی دولت آپارتاید. درست مثل آن کاری که در آفریقای جنوبی کردیم.

به‌طور خلاصه، من دقیقاً به همین دلیل که از چرخه‌ی بی‌پایان جنایاتی که دو طرف مرتکب می‌شوند مبهوت شده‌ام، نمی‌خواهم همراه با آن دسته کسانی که به‌طور هدفمند چشمشان را بر منشأ همه‌ی این جنایات، یعنی بر آپارتاید اسرائیل، می‌بندند، در یک خشم اخلاقی گزینشی مناسک‌وار مشارکت کنم.

## پرسش‌های پرتکرار و فوری

می‌گویند: بدون شک اسرائیل اصلاً شبیه به آپارتاید آفریقای جنوبی نیست و حماس هم اصلاً شبیه کنگره‌ی ملی آفریقا که منتسب به ماندلا بود، نیست.

نلسون ماندلا هرگز تردیدی در این باره نداشت که فلسطینیان تحت یک حکومت آپارتاید زندگی می‌کنند. (او همچنین این را خوب می‌دانست که اسرائیل به‌طور علنی بهترین متحد نژادپرستان سفیدبرترگرا در پرتوریا بود). دزموند توتو نیز، یعنی یکی از قهرمانان جنبش ضد آپارتاید در خاستگاه این جنبش، این مسأله را دریافته بود و به‌زیبایی آن را به بیان درآورد.

دزموند توتو: «من در سرزمین مقدس، جاده‌ها و محلاتی را دیدم که تفکیک نژادی شده بودند؛ و این، مرا بسیار به یاد شرایطی انداخت که ما تحت آپارتاید در آفریقای جنوبی تجربه کردیم. من شاهد تحقیر نظام‌مند مردان و زنان و کودکان فلسطینی توسط نیروهای امنیتی اسرائیل بودم. تحقیری که آنان با آن مواجهند، برای تمامی سیاه‌پوستان

آفریقای جنوبی که نیروهای امنیتی دولت آپارتاید به آنها زور می‌گفتند و آزارشان می‌دادند و به آنها توهین می‌کردند و بهشان حمله می‌کردند، آشناست.»

نلسون ماندلا: «سازمان ملل موضع قدرتمندی علیه آپارتاید گرفت؛ و در طی سالیان، اجماعی بین‌المللی ساخته شد که کمک کرد این نظام نابرابر ساز به پایان خود برسد. اما ما بس نیک می‌دانیم که آزادی ما بدون آزادی فلسطینیان، ناتمام است.»

می‌گویند: مگر اسرائیل درگیر جنگی نیست که اصل وجودش را به خطر انداخته؟

نه، نیست. اسرائیل یک دولت مسلح به سلاح هسته‌ای است که احتمالاً پیشرفته‌ترین ارتش جهان از حیث تکنولوژیک را هم دارد و از پشتیبانی آرایشی متنوع از محصولات ماشین ارتشی ایالات متحده نیز بهره‌مند است، (از جمله ناوهای هواپیمابر حاضریراق). هیچ هم‌وزنی‌ای با حماس وجود ندارد. حماس گروهی است که می‌تواند آسیب جدی‌ای به مردم اسرائیل بزند، اما هرگز ظرفیتی در آن اندازه ندارد که ارتش اسرائیل را شکست دهد، یا حتی بتواند مانع از آن شود که اسرائیل نسل‌کشی آهسته‌ی فلسطینیان تحت نظام آپارتایدی که با حمایت طولانی مدت ایالات متحده و اتحادیه‌ی اروپا بنا شده را اجرایی کند.

می‌گویند: آیا ترس مردم اسرائیل از اینکه حماس می‌خواهد آنها را از بین ببرد، موجه نیست؟

البته که موجه است! یهودیان متحمل هولوکاست شده‌اند که پیش از وقوع آن، پوگروم‌های<sup>2</sup> بی‌شماری رخ داده بود و یهودستیزی‌ای ریشه‌دار، به مدت چند قرن، اروپا و آمریکا را فرا گرفته بود. طبیعی است که اسرائیلی‌ها بترسند که اگر ارتش اسرائیل مغلوب شود، پوگروم‌های جدیدی واقع شوند. اما، دولت اسرائیل با تحمیل آپارتاید بر همسایه‌های مردم اسرائیل و با برخورد کردن با این همسایه‌ها همچون موجوداتی فروانسان، آتش یهودستیزی را شعله‌ورتر می‌کند، حماس را قدرتمند می‌سازد، و در نهایت، باعث افزایش احساس ناامنی دردناکی می‌شود که یهودیان ساکن در اسرائیل و یهودیان دایاسپورا را دلمشغول خود می‌کند. اگر به بیانی خیلی معتدل بگویم، اعمال آپارتاید علیه فلسطینیان، بهترین دفاع مردم اسرائیل نیست.

می‌گویند: یهودستیزی چگونه؟

یهودستیزی همیشه خطری آشکار و حاضر است. و یهودستیزی باید از میان برداشته شود، به خصوص در میان صفوف فلسطینیانی که برای آزادی‌های مدنی‌شان می‌جنگند؛ و نیز در دل‌ها و اذهان حامیان این فلسطینیان در باقی نقاط جهان. برای آن که دیدگاه من درباره‌ی یهودستیزی را ببینید، [این جا](#) را بنگرید.

می‌پرسند: آیا من جنایات حماس را محکوم می‌کنم؟

من تک‌تک جنایات را محکوم می‌کنم، فارغ از اینکه مرتکب یا قربانی چه کسی باشد. چیزی که محکومش نمی‌کنم، مقاومت مسلحانه علیه یک نظام آپارتاید است که به عنوان بخشی از یک برنامه‌ی پاکسازی قومی آهسته‌سوز اما گریزناپذیر، طراحی شده.

پس سرانجام آیا نظر من این است که عمل هفته‌ی گذشته‌ی حماس یک عمل مقاومت‌گرانه‌ی مشروع بوده؟ یا فی‌المثل، «صرفاً» یک جنایت مجرمانه بوده؟

خراب کردن فنس غیرقانونی، و وارد نبرد شدن با ارتش اسرائیل که فلسطینیان را در قفس زندانی کرده، جنایتی نبوده است. کشتن غیرنظامیان (چه پیر و چه جوان)، جنایتی مشتمل‌کننده بوده است. همچون در هر جنگ دیگری، جنایت‌های جنگی غیرقابل دفاع هستند.

می‌پرسند: چرا فلسطینی‌ها اهدافشان را از روش‌های صلح‌آمیز دنبال نمی‌کنند؟

این کار را کرده‌اند. سازمان آزادی‌بخش فلسطین، اسرائیل را به رسمیت شناخت و مبارزه‌ی مسلحانه را کنار گذاشت. و در برابر این کار، چه نصیبت شد؟ تحقیر مُسَلِّم، و پاکسازی قومی سیستماتیک. این، آن چیزی است که حماس را تغذیه کرد و این گروه را در چشم بسیاری از فلسطینیان، به مثابه‌ی تنها بدیل یک نسل‌کشی آهسته در زیستن تحت آپارتاید اسرائیل، بالا کشید.

می‌پرسند: حالا چه کار باید کرد؟ چه چیز ممکن است صلح را برای اسرائیل-فلسطین به ارمغان آورد؟

یک آتش‌بس فوری. آزادی همه‌ی گروگان‌ها (هم گروگان‌های حماس و هم آن هزارانی که اسرائیل نگهشان می‌دارد). و یک فرایند صلح زیر نظر سازمان ملل و تحت حمایت جامعه‌ی جهانی برای پایان بخشیدن به آپارتاید و حراست از آزادی‌های مدنی برابر برای همگان. درباره‌ی این پرسش که چه چیز باید جایگزین آپارتاید شود، بر عهده‌ی اسرائیلی‌ها و فلسطینیان است که درباره‌ی راه‌حل دو کشور و راه‌حل یک کشور واحد سکولار، تصمیم بگیرند. (بهتر است اشاره کنم که موضع جنبش دموکراسی در اروپا، که پس از یک مباحثه‌ی طولانی و پرشور حاصل شد، این بوده که راه‌حل دو کشور دیگر ناشدنی است و واقع‌بینانه‌ترین راه‌حل، یک کشور واحد، با حقوق مدنی برابر برای همگان است. [بنگرید به این سند](#))

## پیوست:

متن مصاحبه‌ی هشت اکتبر من:<sup>3</sup>

آن‌ها که به شدت در تلاشند تا از آدم‌هایی چون من، از جنبش دموکراسی در اروپا، محکومیتی در قبال حمله‌ی چریک‌های حماس بیرون بکشند، هرگز چنین چیزی را دریافت نخواهند کرد. و تنها به یک دلیل، هرگز آن را دریافت نخواهند کرد. کسانی که بدون تبعیض به انسان‌ها اهمیت می‌دهند، آن‌ها که به یک یهودی و به یک عرب به یکسان اهمیت می‌دهند، باید یک سؤال خیلی مهم از خودشان بپرسند: ایده‌ی آن‌ها درباره‌ی توقف خصومت‌ها دقیقاً چیست؟ این که فلسطینی‌ها سلاح‌هایشان را زمین بگذارند و برگردند به بزرگترین زندان روباز جهان که در آن مدام توسط دولت آپارتاید خفه می‌شوند؟ به یک بیان دیگر، پیشتر در آفریقای جنوبی زمان آپارتاید، مشکل چه بود؟ آیا مشکل این بود که بعضی اعضای مقاومت سیاه‌پوستان، از جمله از کنگره‌ی ملی آفریقا ولی نه فقط آن دسته، علیه رژیم آفریقای جنوبی اسلحه به دست می‌گرفتند و گاهی افراد بی‌گناه را هم می‌کشتند؟ نه، مشکل آن نبود. **مشکل آپارتاید بود. آپارتاید، چه در آفریقای جنوبی اعمال شود و چه در فلسطین-اسرائیل، همواره خشونت خواهد زاید؛ چرا که نظامی است خشونت‌بار و ضدانسانی.** هر انسانی که در سمت بد یک نظام آپارتاید زندگی کند، یا به مرگی هولناک و بی‌صدا خواهد مُرد، و یا شورش خواهد کرد و اغلب در این شورش جان آدم‌های بی‌گناهی را هم خواهد گرفت. مجرمان حماس نیستند، حتی آن شهرک‌نشینان اسرائیلی هم نیستند که فلسطینیان را می‌کشند. **مجرمان ماییم، اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها. تک‌تک اعضای جامعه‌ی آلمانی ما، جامعه‌ی فرانسوی ما، جامعه‌ی یونانی ما، جامعه‌ی**

آمریکایی ما. ما، با بسته نگه داشتن دهانمان تا زمانی که آن جا در دسری ایجاد نشده، تا زمانی که آدمها دور از دسترس دوربینها می‌میرند، تا زمانی که این فلسطینیها و نه اشغالگراند که می‌میرند، در همه‌ی این دهه‌ها در این جنایت علیه بشریت مشارکت کرده‌ایم. بنابراین این تراژدی عظیم باید به فرصتی تبدیل شود که طی آن ما اروپاییها [و آمریکاییها] بیدار شویم و خود را با جبران اشتباه، رستگاری ببخشیم؛ از این طریق که خواهان آن شویم که به‌طور جمعی، اولین گام تعیین‌کننده به‌سوی صلح را برداریم. این اولین گام، یعنی نابودی دولت آپارتاید. درست مثل آن کاری که در آفریقای جنوبی کردیم.

### پی‌نوشت‌ها:

- 1- رییس کمیسیون اروپا؛ بالاترین مقام رسمی اتحادیه‌ی اروپا
- 2- کشتارهای سازمان‌یافته‌ی اعضای یک قومیت خاص را پوگروم می‌نامند
- 3- ویدیوی این مصاحبه را می‌توانید در [این آدرس](#) ببینید.

• منبع نوشتار:

<https://www.yanisvaroufakis.eu/2023/10/15/why-i-refuse-to-condemn-hamas-or-the-israeli-settlers-but-instead-insist-that-the-culprits-for-the-atrocities-in-israel-palestine-are-us-europeans-and-americans/>